

آینه

ایران

سرمقاله: «تاریخانه ثروت و قدرت!»: فیاض زاهد

سخنان رییس‌جمهور حسن روحانی درباره فساد را شاید بتوان مهم‌ترین سخنان او در طول این سال‌ها دانست. وی به‌درستی انگشت بر موضوعی گذاشت که نه‌تنها تهدیدکننده ثبات و ماندگاری ایران و انقلاب اسلامی است که بن‌مایه اصلی تباهی و سقوط همه تمدن‌های بشری بوده... خوب است تا از تجربه دیگران استفاده کنیم. این می‌تواند برای ما درس‌آموز باشد که بسیاری از دولت‌های غربی که ما آنها را نقد کرده و آموزش‌های اخلاقی و فرهنگی‌شان را برنمی‌تابیم به‌راحتی در برابر فساد سیاستمداران خود ایستادگی کرده و آنها را به محاکمه می‌کشند. به داستان رسوایی‌ها در کشور فرانسه و انگلستان، چین، ژاپن و کره جنوبی و نحوه مقابله با آن فسادها بنگریم. جامعه اسلامی چنانچه نتواند راهی برای مقابله با این رسوایی‌ها و پلشتی‌ها پیدا کند از درون چار چالش خواهد شد و سخنان زی‌سای امروز رییس‌جمهور تنها به‌خاطرهای زی‌با بدل خواهد شد.

کیم

سرمقاله: «خط مقدم چگونه کم شد؟»: محمد ایمانی

چرا به اسم برداشتن فضای امنیتی، فضای ارباب و اختناق علیه منتقدان- که بسیار فراتر از حامیان خاص دولت سابق و حتی اصولگرایان هستند- تدارک می‌شود و در عین حال به مجرمان نشاندار خیانت و فتنه بزرگ سال‌سال۸۸ مجال تجدید سازمان داده می‌شود؟ آیا برخی روسو اصلی گفتمان دولت در حوزه کارآمدی آتقدیر غریبال دفاع است که باید به موازات شعار دعوت به نقد، دهان منتقدان را بست و در عین حال تصور کرد خائنان به یک‌ملمت در دو هفته ۷۸ و ۸۸ آن‌گونه که تظاهر می‌کنند، حمایتی وفادارانه و مخلصانه نسبت به دولت دارند؟... آیا افکار عمومی نخواهند پرسید که غیر از بدگویی به دولت قبل با برج‌سبزدن و وارونه‌نمایی منتقدان و کوشش برای انزوا و انفعال آنان، هنر خود شما چیست؟ اگر نه از قیمت گوجه باید پرسید و نه از برنامه هسته‌ای، بفرمایید که سوال از کدام حوزه عملکرد شما مباح و مجاز است؟ با کور باش و دور باش که نمی‌شود دهان پرشکران عام‌وخاص را بست.

سازات

سرمقاله: «تاملی در سخنان رییس‌جمهور»: سید مسعود علوی

در ابتدای سخنان رییس‌جمهور، عده‌ای با شعارهای موهن از سران فتنه دفاع کردند. این حکایت از نوعی برنامه‌ریزی از قبل در دفاع از فتنه دارد. رییس‌جمهور باید پاسخ فتنه‌گران را صریح می‌داد. او باید می‌گفت سران فتنه، مرتکب قتل شده‌اند. این قتل‌ها شاکلی خصوصی دارد و دولت نمی‌تواند به نمایندگی از اوایلای‌دم، کسی را بپخشد. سران فتنه میلیاردهاثمنات خسارت مادی به کشور وارد کردند. سران فتنه امنیت و اقتدار ملی را در برابر گرگ‌های درنده منطقه و جهات به خطر انداختند و تا مرز «محاربه» و «بغی» پیش رفتند... آنها دست در دست منافقان و سلطنت‌طلب‌ها و بهاییان، شعارهای ساختارشکنانه دادند و فریاد زدند، «انتخابات بهانه است، اصل نظام نشانه است...» حالا برخی از همان روسایهان با پرپوری در همین نشانه‌ها، بنفع سران فتنه شعار می‌دهند. آیا سکوت رییس‌جمهور در برابر این جماعت، نوعی تدبیر معطوف به عللانیت است؟ ... رییس‌جمهور در این نشست بدون اینکه مناسبتی داشته باشد، از مهندس‌بازرگان به نیکی یاد کرد، که با تشویق همان فتنه‌گران روبه‌رو شد. حال آنکه امام‌خمینی(ره) از نامه مشهور خود به وزیر وقت کشور در بهمن ۶۶ فرمودند: «اگر نهضت آزادی سر کار می‌ماندند، سیلی‌ای به اسلام می‌زدند که تا قرن‌ها سر بلند نمی‌کرد».

دولت ایران

سرمقاله: «آن خنده واین خشم»: مهدی محمدی
وقتی مقام بلندپایه دولتی که می‌گوید متخصص امنیت ملی است، بی آنکه لازم بداند کوچک‌ترین سند و مدرکی ارایه کند، آبروی سلمان و ابودرها‌ی کشور را به حراج می‌گذارد و برای نبی‌شخند چند جوانک که بسا به او رای نداده‌اند و نخواهند هم داد، نسبت به فاسدشدن آنها هشدار می‌دهد، منطقی این است که فکر کنیم حقیقتی هست که بناس‌ت پنهان نگه داشته شود. چیزی مثلاً از این قبیل که برنامه‌ای در پیش است که نگرانند سلمان و ابودرها مقابل آن بایستند، نقشه‌ای که می‌ترسند بر آب شود یا بده‌بستانی که نگران افشای آن هستند... منشا همه اینها ترس است. این موضوع را بهتر از هر جای دیگر در پرونده هسته‌ای می‌توان دید. مقابل دشمن که نشست‌اند، چنان شاد و نغمه‌خوانند که خانم مذکره‌کننده آمریکایی می‌گوید از احوال خانواده یکدیگر هم خبر دارند. در مقابل منتقدان داخلی اما صدای لرزان مرد دل‌آوری است که می‌گویند در حال خلق یک معجزه مذاکراتی است و دست‌های لرزان‌ش، وقتی بی‌هدف در هوا می‌چرخند، همراه است با خشمی بی‌مهار، فقط برای حمله‌کردن به مشتی جوان «تازه به دوران رسیده» که چند کلمه‌ای در نقد حضرت ایشان نوشته‌اند یا خبر رسیده که قصد داشته‌اند بپوشند. چه‌چیز منشا آن خنده و این خشم است؟

سیاست

سناتورهای آمریکایی پیش‌نویس می‌دهند

خیز تندروها برای بلعیدن سهم اورانیوم ایران از معدن نامیبیا

نزعت امیرآبادیان



چپ

راست

آمریکایی کتابی با عنوان «بحران ساختگی: داستان ناگفته خطر اتمی ایران» منتشر کرد. «پورتر» با استناد به اسناد محرمانه «سی‌ا»، مطالب رسانه‌ای و اظهارات مقامات دولتی آمریکا و اسناد و گزارش‌های «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» معتقد است فشار اتمی به ایران ساخته‌وپرداخته محافل آمریکایی و اسرائیلی است. او در این کتاب می‌نویسد: «برنامه هسته‌ای ایران که با حمایت فنی و لجستیکی ایران و فرانسه در زمان حکومت پهلوی آغاز شده بود پس از سقوط شاه در بهمن۱۳۵۷ عملاً معلق ماند. در حدود سال‌های ۶۰ ایران برای دریافت سوخت راکتور آزمایشی در دانشگاه تهران و برای مصارف بهداشتی از «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» درخواست کمک کرد ولی با پاسخ مناسب روبه‌رو نشد. در این دوران، ایران به دلیل کمبود شدید برق به فکر راه‌اندازی نیروگاه اتمی بوشهر افتاد که ۹۰درصد ساختمان و تأسیسات آن توسط شرکت «زیمس» آلمان تکمیل شده بود. آلمان تحت فشار آمریکا از تکمیل پروژه نیروگاه اتمی بوشهر خودداری کرد و هیچ کشور غربی دیگر حاضر به همکاری با ایران در این پروژه نشد. نمایندگان ایران برای تعقیب قرارداد تأمین سوخت از شرکت «اورودیف» فرانسه که ۱/۵میلیارد دلار سرمایه ایران را در ازای تأمین سوخت در اختیار داشت؛ وارد مذاکره شدند. ولی آمریکا در زمان ریگان، فرانسه و دیگر هم‌پیمانان خود را از تأمین سوخت مورد نیاز ایران که در چارچوب مقرارت «آژانش بین‌المللی انرژی اتمی» بود، منع کرد. از آن پس، تمامی تلاش‌های قانونی ایران با کارشکنی آمریکا روبه‌رو شد تا جایی که ایران، به

فکر خودکفایی در تأمین سوخت هسته‌ای افتاده و در این‌راستا به خرید تجهیزات غنی‌سازی اورانیوم بپردازد.»

محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان در آستانه مذاکرات ایران و «۵+۱» در «وین» در ۱۰اتیر سال‌جاری در مقاله‌ای در روزنامه «لوموند» فرانسه نوشت: «ما هیچ چیزی برای پنهان‌کردن نداریم. برنامه و فعالیت‌های هسته‌ای ایران کاملاً صلح‌آمیز است و این برنامه به‌منظور پاسخ‌گویی به نیازهای غیرنظامی ایران در زمینه بهداشتی، انرژی و حوزه‌های مشابه شکل گرفته است. در بسیاری از موارد، متعاقب اینکه تلاش‌های بین‌المللی جهت دستیابی به بازار آزاد ناکام ماند، از جمله محروم‌شدن از بهره‌مندی از سهم خود در «اورودیف» فرانسه، ایران بر توسعه زیرساخت ملی تمرکز کرد. با نادیده‌گرفتن این واقعیات و ارایه نادرست حقایق، گروه‌های فشار اندکی البته صاحب قدرت، در

روپا و ایالات‌متحده به‌طور بسیار مضحکی جبهه‌ای به راه انداخته‌اند که برنامه ایران دارای سمت‌وسوی تسلیحات هسته‌ای است و ایران می‌تواند طی یکی،دوماه، مواد شکاف‌پذیر کافی برای ساخت یک‌بمب تر تولید کند.» این نکته‌ای است که اکبر اعتماد، اولین رئیس «سازمان انرژی اتمی» کشورمان نیز در گفت‌وگو با «اپسنا» در ۹مه‌آبان هم به آن اشاره کرد. اعتماد در پاسخ به این پرسش که چرا وقتی رابطه سیاسی ایران در زمان شاه با آمریکا و کشورهای اروپایی خوب بود اصرار بر غنی‌سازی در خاک ایران داشتید؟ گفت: «از تجایی که در شرکت تولید سوخت فرانسوی «اورودیف» شریک شده بودیم می‌گفتند نباید از بابت سوخت نگرانی داشته

تا سال۱۳۸۴ هم نماینده ولی‌فقیه در سپاه بود. موحدی‌کرمانی در آن سال از این سمت کناره‌گیری کرد و حجت‌الاسلاممحمدعلی سعیدی به‌عنوان جانشین او از سوی مقام‌مظهر،هبری انتخاب شد. او همچنین در پاییز۱۳۹۱ با حکم مقام‌مظهر،هبری به امامت موقت نمازجمعه تهران منصوب شد و البته از اعضای مجمع‌تشخیص مصلحت هم به‌شمار می‌رود.

جامعه‌روحانیت مبارز: از شکل‌گیری تاانشعاب
موحدی‌کرمانی حالا به دبیر کلی تشکلی رسیده که از سال۱۳۶۰ تا ۱۳۹۳ در دست آیت‌الله‌مهدوی‌کنی بوده؛ به استثنای مقطع کوتاهی در سال۱۳۷۵ که آیت‌الله‌امامی‌کاشانی برای مدت کوتاهی به سمت دبیرکلی جامعه رسید که علت آن هم استعفا‌ی موقت آیت‌الله‌مهدوی‌کنی از سمت دبیرکلی جامعه بود. ناطق‌نوری این موضوع را تشریح کرده و می‌گوید: آیت‌الله معتقد بود روحانیت نباید در قالب تحزب فعالیت کند. روحانیت باید نقش پدری در جامعه داشته باشد. با این حال، اعضای جامعه این استغفانه را نپذیرفتند و مهدوی‌کنی دوباره حضور در کسوت دبیر کلی را بر تشکلی پذیرفت که از زمان قبل از انقلاب تأسیس شده و البته نقش پررنگی هم در پیروزی انقلاب ایفا کرد. هسته اولیه جامعه روحانیت مبارز در سال۱۳۵۶ با تأکید امام‌خمینی(ره) شکل گرفت و با تدوین اساسنامه، اعلام موجودیت کرد. از همان سال وارد عرصه جدی فعالیت‌های انقلابی شد؛ سالی که به پیروزی انقلاب ختم شد. موسسان جامعه روحانیت از روحانیون و انقلابیون برجسته‌ای بودند؛ از جمله سیدمحمد بهشتی، مرتضی مطهری، محمدجواد باهنر، سیدعلی خاتمی‌ا و محمدالکریم موسوی‌اردبیلی، اساسنامه جامعه روحانیت مبارز که در ابتدا کلا کشور را دربر می‌گرفت، بعداً در سال۵۸ و با نظر امام‌خمینی(ره) تغییر کرده و محدود به تهران شد و نام آن هم به «جامعه روحانیت مبارز تهران» تغییر یافت. جامعه روحانیت مبارز در تمام این سال‌ها- یعنی دست‌کم تا انتخابات پنجم‌نحلهای ریاست‌جمهوری هشتم - نقش فعالی در عرصه‌های انتخاباتی داشت. اما با ظهور گروه‌های

باشید اما من همیشه فکر می‌کردم و می‌ترسیدم که اینها (آمریکا و اروپا) یک‌روز بهانه بیاورند و به ما سوخت ندهند. بنابراین به این سمت رفتمی‌که خودمان هم این تکنولوژی را یاد بگیریم. چندان بعد از انقلاب، فرانسه اعلام کرد اورانیوم غنی‌شده به ایران از سهمی که در شرکت «یورودیف» دارد را نمی‌دهد.»

در ۲۳توربه سال۱۹۷۴ حتی پیش از اینکه ایران موافقتنامه «ان‌پی‌تی» را با «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» امضا کند، فرانسه قرارداددای را با ایران امضا کرد که بر پایه آن کمپانی «سوفیدف» با سرمایه‌گذاری مشترک تشکیل شد و ایران مبلغی بیش از یک‌میلیارد دلار به حساب کمپانی واریز کرد تا بنا بر این قرارداد، ۱۰درصد از اورانیوم غنی‌شده تولیدی در این کمپانی به ایران تعلق گیرد. اما هیچ‌گاه از آغاز تولید این کارخانه غنی‌سازی در سال۱۹۷۶ این سهم - ادرصد تولید- به‌صورت محصول نهایی با معادل پولی آن برای ایران فرستاده نشد تا اینکه در سال۱۹۹۱ اتاق بازرگانی بین‌المللی برای تسویه بخشی از حقوق ایران به ارزش ۱۲۳میلیون «یورو»، کمپانی ایرانی- فرانسوی را مجبور به پرداخت این مبلغ به ایران کرد، ضمن آنکه علاوه‌بر این مبلغ ۵۰۰میلیون «یورو» هم پیش‌تر به ایران پرداخت شده بود. در ماه اکتبر سال۱۹۹۱ نیز توافقنامه‌ای بین ایران و فرانسه به امضا رسید که مبلغ یک‌میلیارد دلار بر پایه شرایط قراردادی به ایران پرداخت شد. محمود واعظی، معاون اسبق وزیر امور خارجه ایران که به نمایندگی از ایران درباره سهم ایران در پروژه کارخانه غنی‌سازی اورانیوم «اورودیف» با فرانسه مذاکره کرده، در اسفند۱۳۸۸ اعلام کرد براساس اسناد موجود ایران سهمدار «اورودیف» است. او گفت: «اورودیف یک پروژه ۳۰وچندساله بین ایران و فرانسه است. ایران ۳۳۰میلیون دلار به مجموعه «اورودیف» وام داده که این وام یک‌بخش پروژه «اورودیف» است و بخش دیگر این پروژه به سهم ایران در کارخانه برمی‌گردد. فرانسوی‌ها به‌دنبال این بودند که ایران در جریان حل اختلافات از سهم خود در کارخانه «اورودیف» چشم‌پوشی کند که ما هیچ‌وقت به این درخواست موافقت نکردیم. ایران امروز به‌دنبال سهمدار «اورودیف» مطرح است و باید از امتیازات سهامداربودن خود بهره ببرد.» در ۱۸فروردین۹۱ نیز فریدون عباسی، رئیس «سازمان انرژی اتمی» ایران در یک‌برنامه تلویزیونی در مورد حقوق از دست‌رفته ایران در این پروژه سخن گفت و اعلام کرد ایران بارها تلاش کرده سهم خود را از این شرکت فرانسوی بگیرد، اما وزیر امور موفق نشده است.

جدید اصولگرا از جمله جبهه آبادگران و انتخابات ریاست‌جمهوری‌نهم دیگر نقش محوری خود را در میان جریان‌های اصولگرایی از دست داد. آیت‌الله‌مهدوی‌کنی در سال ۱۳۶۰ به سمت دبیرکلی این تشکل رسید. او به جای شهیدفضل‌الله محلاتی که از سال۱۳۵۶ دبیر کل جامعه بود، عهده‌دار این سمت شد. جامعه که در آن سال‌ها یک‌پای ثابت هراتخاباتی به‌شمار می‌رفت، در نهایت به‌دلیل اختلاف بر سر فهرست‌های انتخاباتی مجلس سوم شورای اسلامی تن به انشعاب داد. البته این انشعاب به همین سادگی هم نبود. یعنی تنها اختلاف بر سر فهرست‌ها نبود که به انشعاب انجامید. بلکه به گفته خود آیت‌الله‌مهدوی‌کنی، اختلاف اعضای جامعه روحانیت با آنچه بعداً «مجمع روحانیون مبارز» نام گرفت، ریشه در بحث بر سر رقه سنتی و فقه بیوا و برخی مسایل اقتصادی داشت. چه جامعه روحانیت معتقد به اقتصاد بازار بود و جریان چپ آن روز که با مجمع‌ظهور پیدا کرد، معتقد به اقتصاد دولتی، همین اختلاف‌ها نبود که در نهایت اختلاف بر سر گنجاندن نام دونفر (هادی غفاری و فخرالدین حجازی) از سوی جناح مخالف جامعه روحانیت در فهرست جامعه باعث شد تا مهدی کروبی، سیدمحمد خاتمی، موسوی‌خوینی‌ها، سیدمحمد دعایی و هادی غفاری از جامعه جدا شوند. این اتفاق در سال۱۳۶۶ و وقوع پیوسته دو روایتون مبارز در سال۱۳۶۷ پس از آنکه موضوع را با امام(ره) در میان گذاشتند، امام هم تشکیل مجمع روحانیون را به رسمیت شناختند. مجمع روحانیون اکثریت مجلس را در آن انتخابات از آن خود می‌کند و در مجلس چهارم به‌دلیل نظارت استصوابی و روحانیت‌های گسترده از فعالیت‌های سیاسی کنار می‌کشند. این مجمع در سال۷۶ فعالیت‌های خاتمی را به‌عنوان کاندیدا در برابر علی‌اکبر ناطق‌نوری معرفی کرد؛ رقابتی که به‌طور کامل به‌نفع محمد خاتمی و با شکست ناطق‌نوری هم‌حزبی قدیمی خاتمی پایان گرفت. جامعه روحانیت از انتخابات ریاست‌جمهوری‌نهم به‌دلیل ظهور جریان‌های جدید اصولگرایی کم‌کم نقش اصلی خود را از دست داد. تلاش برای در هیچ دوره‌ای کاندیدای این تشکل باسابقه محسوب نمی‌شد. در انتخابات‌یازدهم ریاست‌جمهوری، حسن روحانی اگرچه عضو این تشکل محسوب می‌شود، اما به‌عنوان نماینده اصلاح‌طلبان در انتخابات توانست پیروزی را از آن خود کند؛ در میان تشتنی که جریان اصولگرا از انتخابات‌نهم ریاست‌جمهوری با آن دست‌وپیچ‌نرم می‌کرد و آیت‌الله‌فقید هم با همه تلاش‌هایش برای ایفای نقش ریش‌سفیدی نتوانست آنها را حول یک‌محور جمع کند و به وحدت برساند. حالا در دیاب «آیت‌الله» و حضور موحدی‌کرمانی و تلاش‌هایی که سیدرضا تقوی کلید زده است، به‌نظر می‌رسد این تشکل بیش از گذشته فعالیت‌های خود را جدی گرفته و تلاش دارد به احیای نقش سال‌های ده ۶۰ و پیش از آن بپردازد.

ادامه از صفحه ۳

روحانی:خشونت به‌نام دین شرم‌آور است

او به اصول دین رحمانی اسلام اشاره و اضافه کرد: «این واقعیتی تلخ و شرم‌آور است که تروریست‌ها انواع خشونت‌ها مانند کشتار انسان‌ها، تخریب اماکن مقدس و آثار باستانی و خرید و فروش زنان را به نام دین انجام می‌دهند. بی‌تردید قتل‌عام انسان‌ها جای آشکار در حد آموزه‌های صلح‌آمیز همه ادیان است که بر اساس آن کشتن یک انسان بیگناه همانند کشتن همه انسان‌هاست.» روحانی اضافه کرد: «تفکرهای غلط و افراطی فقط یکی از مسیرهای منتهی به خشونت است، توسعه‌نیافتگی و نیازهای مادی پاسخ داده نشده، بیگاری، فقر، نبودن امکانات زندگی و ناامیدی و از دست‌دادن امید به آینده قابل تحمل و ارزشمند، بسط خشونت‌طلبی است و این همان بلایي است که خاورمیانه و بخش مهمی از جهان گرفتار آن شده‌اند.» او تقسیم کشورها به‌خودی و غیرخودی را زمینه‌ساز خشونت دانست همانطور که تحریم و تحدید را نیز ناقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و چالشی جدی برای امنیت در نظام بین‌الملل ارزیابی کرد. وی در ادامه با بیان اینکه جهان امروز دستخوش فرآیندهایی است که به نابرابری‌ها دامن می‌زنند، اضافه کرد: «مساله توسعه‌طلبی‌ها و انحصارگری‌های سیاسی و ژئوپلیتیک نیز نقش مهمی در پیدایش خشونت‌ها دارند.»

سازمان ملل کاستی دارد

روحانی به سازمان ملل نیز اشاره کرد و گفت: «واقعیت ناخوشایند این است که سازمان‌ملل‌متحد با همه موفقیت‌هایش در برابر مسایل بزرگی که جهان ما با آن روبه‌رو است کاستی‌های قابل‌توجهی دارد.» رئیس‌جمهور با بیان اینکه سرازار است که کنار یکدیگر اندیشه‌ورزی درباره اشکال آشکار خشونت و صورت‌های باز بی‌عدالتی و سازوکارهای غلبه بر آنها را تقویت کنیم، اضافه کرد: «ما توان آن را داریم که ده‌ها فیلسوف، هنرمند، جامعه‌شناس، سیاستمدار، فعال جامعه مدنی و شماری دیگر از شخصیت‌های جهان را برای اندیشیدن درباره رفع خشونت و بی‌عدالتی و استقرار عدالت گرد هم آوریم و جامعه بشری را به درپیش گرفتن راه و روشی مطابق خردورزی همگانی برآمده از اندیشه عدالت و نفی افراطی‌گری فرا بخوانیم.» روحانی پیشنهاد داد ۱۸دسامبر به‌عنوان روز جهان علیه خشونت نامگذاری شود و این کنفرانس بتواند پیشنهادهای موثر و عملی برای اعتلای فرهنگ صلح و مدارا و مبارزه با خشونت و افراطی‌گری ارایه کند. با پایان سخنرانی روحانی، او به همراهی جواد ظریف از سالن خارج شد تا دیدارهای دوجانبه‌اش را در اتاقی در حاشیه سالن اصلی اجلاس انجام دهد. در حالی‌که دیدارهای رییس‌جمهور در حال انجام بود اجلاس جهان علیه خشونت نیز با سخنرانی‌هایش ادامه داشت.

سیدعلی خمینی: به‌امید روزی که گزینه نظامی روی هیچ‌میزی نباشد

سیدعلی خمینی که سرتاپا سیاه پوشیده بود، شمرده سخن می‌گفت. او از دغدغه افراط‌گرایی در حیطه اندیشه و نظر ابراز نگرانی کرد و گفت: «مادامی که ریشه اندیشه افراط‌گرایی در خاک زمین وجود دارد شجره جبین افراط‌گرایی از آن رشد می‌کند که میوه آن جز خشونت نخواهد بود.» سیدعلی خمینی با تقسیم افراطی‌گری به دو ساخت نظری و عملی، گفت: «سازمان‌های بین‌المللی و قدرت‌های نظامی و سیاسی جهان مثل شورای امنیت وجه غالب همت خود را بر این گذاشتند که با افراطی‌گری فعلی و عملی در جهان مبارزه کنند. البته در اینکه همه آنها واقعا از سر صدد در این معرکه به وارد شده‌اند تردید است و مجمع‌مظهر،هبری در سخنرانی اخیر خود نسبت به این موضوع مطالبی را بیان کردند.» نوه بنیانگذار جمهوری اسلامی گفت: «این کنفرانس‌ها می‌تواند برای این باشد که بنیان اندیشه افراط‌گرایی را با جهادی فرهنگی ساکت کند. مادامی که دنیا با سیاست دوگانه به کشورهای نگاه می‌کند که مرکز تفکر تکفیری هستند و آنها را معکوم نمی‌کند، چشم‌اندازی از صلح پایدار دیده نمی‌شود و هر اقدامی در حیطه مبارزه عملی و میدانی ددعی و تدریجی خواهد بود.» او سخنانش را با این جمله به پایان رساند: «به امید روزی که گزینه نظامی روی هیچ‌میزی نباشد.»

نارنج میز پاکستان وابسته به افغانستان

آصف علی زرداری، رییس‌جمهور پیشین پاکستان در سخنرانی‌اش گفت: «برخورد با تروریسم و مقابله با آن پاسخ به یک نیاز جدی جهانی است و پاکستان از کشورهایی است که هزینه فراوانی در مواجهه با افراطی‌گری پرداخته است. خشونت در کشور من توسط جوامع بین‌المللی حمایت شده تا به سیاست‌های گمراه‌کننده در دنیا توانسته این ایده را پیش ببرد. تا وقتی ثبات سیاسی در افغانستان نباشد پاکستان نیز روی آرامش نخواهد دید.»

تاکید بر نقش ایران

دومینک دووولپین، نخست‌وزیر پیشین فرانسه با اشاره به موضوع تحریم ایران از سوی قدرت‌های بزرگ، گفت: «ایران می‌تواند در مقابل «داعش» نقش اساسی ایفا کند.» او اضافه کرد: «برداشته‌شدن تحریم‌ها برای اقتصاد ایران یک ضرورت است و البته موضوع مذاکرات تنها به‌خاطر سانسرفیوزها نیست بلکه به دلیل موضوع قدرت در منطقه است.»